

روزنامه‌نگاری؛ هدف یا وسیله؟

منصور ادیبان در **کیف انگلیسی** چطور روزنامه‌نگار شد؟

است، دست به انتشار روزنامه می‌زند تا هم ورودش به سیاست هموار شود، هم بتواند در وضعیت سیاسی مغشوش دهه ۲۰ و تغییرات مدام نخست‌وزیران آن دوره خودی نشان دهد. در واقع ادیبان روزنامه‌نگار نبود اما این شغل او را زودتر از هر حرفه دیگری به هدفش رساند. سیاست، علاقه اول و شغل اصلی او بود. مانند بسیاری از فارغ‌التحصیلان غرب در آن دوره که تعدادشان زیاد هم نبود، به قصد ورود به سیاست و مجلس به وطن خود بازگشت. پدر و اقوامش هم مشوق و پشتیبان او برای ورود به سیاست بودند و حتی جان خود را برای رسیدن این فرزند خلبان به سیاست از دست دادند. اما خب روزنامه‌نگاری بهترین شغل برای چنین افرادی است که هم سری در سرها دربیابند و هم با این کار زودتر به مقصود خود برسند. ادیبان با اینکه انگیزه‌اش از روزنامه‌نگاری چیزهای دیگری بود اما در این شغل آسیب‌های زیادی دید. اراذل و اوباش به دفتر روزنامه‌اش حمله کردند، زندگی‌اش دچار مخاطره شد و به زندان افتاد و مرارت‌های زیادی را تحمل کرد. اما چون روزنامه‌نگاری غایت و هدفش نبود، فشارها و تهدیدها کار خودش را کرد. دامی که برای او گسترده شده بود، به اسیری او انجامید. با ورود به سیاست

صورت فیلم سینمایی جلوی دوربین برد، با استفاده از نوشته‌های پدرش «محمدتقی دری» به نگارش درآورد. او تا پیش از این سریال هم تجربیاتی در تلویزیون داشت و کارگردانی اپیزودهایی از یک سریال با عنوان «کمند خاطرات» را انجام داده بود اما وقتی فیلم‌نامه «کیف انگلیسی» را نوشت، آن قدر مفصل و طولانی شده بود که نمی‌توانست آن را در یک فیلم سینمایی جای دهد. بنابراین آن را به مدیران تلویزیون ارائه داد؛ مدیران آن دوره که نقش زیادی در شکل‌گیری سریال‌های باکیفیت داشتند، فیلم‌نامه را تصویب و امکان ساختش را فراهم کردند. داستان این مجموعه درباره منصور ادیبان، تحصیل‌کرده رشته حقوق در فرانسه است؛ او پس از شکست در رقابت‌های انتخاباتی مجلس، با حمایت «مستانه» دختری از طبقه رجال در انتخابات دوره‌های بعد پیروز می‌شود. او تحت تاثیر مستانه با انگلیسی‌ها آشنا شده و از این رهگذر تغییرات اساسی در زندگی خصوصی و تفکرات قبلی‌اش پدید می‌آید. ادیبان پس از اینکه از زادگاه خود به تهران می‌آید، با پیشنهاد دوست قدیمی‌اش که در غربت با او آشنا شده و هم‌پاله انگلیسی‌ها بوده

گلاویز نادری روزنامه‌نگار

«کیف انگلیسی» یکی از ماندگارترین سریال‌های تلویزیون ایران است. انگار در سال‌های پایانی دهه ۸۰ همه چیز دست‌به‌دست هم می‌داد تا محصولات هنری بی‌مانندی تولید شوند که تا دهه‌های بعد هم امکان تولید آنها وجود نداشته باشد. «کیف انگلیسی» ترکیبی از اجزای درخشان بود؛ از تیتراژ ابتدای سریال تا موسیقی و ترانه پایانی‌اش. از انتخاب بازیگرانی که برای اولین بار در یک سریال حضور پیدا کردند تا بازی‌آنهايي که حتی بازیگر هم نبودند. از طراحی لباس‌هایی که برای اولین بار به تن شخصیت‌های یک سریال تلویزیونی پوشانده شد تا ساخت و طراحی لوکیشن‌هایی که در یک مجموعه تلویزیونی دیده شد. همه اینها دست‌به‌دست هم دادند تا مجموعه‌ای خلق شود که به سختی می‌توان شبیه آن را در آینده رسانه ملی تصور و حتی تخیل کرد.

مرحوم ضیاءالدین دری، فیلم‌نامه این سریال را که ابتدا می‌خواست به

سرب



سال ساخت: ۱۳۶۷
کارگردان: مسعود کیمیایی
بازیگران: هادی اسلامی، جلال مقدم، فریمه فرجامی

یکی از نخستین تلاش‌های سینمای ایران برای تصویرگری حرفه‌ای زندگی یک خبرنگار، در سال ۶۷ و با فیلمی از مسعود کیمیایی رقم خورد. مرحوم هادی اسلامی، در این فیلم، یکی از بهترین بازی‌های کارنامه خود را ارائه می‌دهد و تصویر خبرنگاری را به‌ثبت می‌رساند که برای برملا شدن حقیقت، جان خود را فدا می‌کند.

پارتی



سال ساخت: ۱۳۷۹
کارگردان: سامان مقدم
بازیگران: هدیه تهرانی، علی مصفا، اسماعیل شنگله

سامان مقدم در آخرین سال دهه ۷۰، در پارتی، داستان روزنامه‌نگاری را به‌تصویر می‌کشد که بابت انتشار مطلبی، به زندان می‌افتد و دوستان او در تکاپو برای آزاد کردنش، دست به اقدامات زیادی می‌زنند. فیلم البته به دلیل برخی ارجاعات سیاسی، دشواری‌های بسیاری را در مسیر تولید و نمایش، متحمل می‌شود.

یک سطر واقعیت



سال ساخت: ۱۳۹۰
کارگردان: علی وزیریان
بازیگران: حسین یاری، مهراوه شریفی‌نیا، همایون ارشادی

فیلم، داستان زوجی مطبوعاتی است که در سودای مهاجرت به‌سر می‌برند. فیلم، به نوع جذب خبرنگاران توسط رسانه‌های معاند خارجی می‌پردازد. فیلمی که علاوه بر این ماجرا، به موضوعاتی چون بحران انتشار و فروش نشریات نیز پرداخته و توانسته به‌زعم خود، تصویرگری جدیدی از دنیای روزنامه‌نگاری در ایران داشته باشد.

